

آراء و نظریات جان فیسک

John Fiske

(- ۱۹۳۹)



زندگینامه

- جان فیسک در سال ۱۹۳۹ در بریتانیا به دنیا آمد.
- جان فیسک یک محقق رسانه است که در سراسر جهان تدریس است. او استاد هنرهای ارتباطاتی در دانشگاه ویسکانسین - مدیسون در ایالات متحده بود.
- او به مطالعات فرهنگی، فرهنگ عامه، نشانه‌شناسی، مطالعات رسانه و تلویزیون علاقه دارد.
- او نویسنده هشت کتاب، از جمله بازی‌های قدرت، شغل‌های قدرت (۱۹۹۳)، درک فرهنگ مردمی (۱۹۸۹)، خواندن عامه‌پسند (۱۹۸۹)، و فرهنگ نفوذکننده تلویزیون (۱۹۸۷) است.
- فیسک به عنوان یک منتقد رسانه عمل می‌کند، بررسی این که چگونه معنای فرهنگی در جامعه آمریکا ایجاد شده، و چگونه مسائل مختلفی مانند نژاد در رسانه‌ها به کار گرفته شده.
- در ماه مه سال ۲۰۰۸، فیسک درجه افتخار از دانشگاه آنتورپ دریافت کرده است.
- نظریات فیسک از جمله نظریات حوزه مخاطب فعال و مکتب مطالعات فرهنگی بیرمنگام طبقه‌بندی می‌شود.

ترجیح رویکرد آیینی بر رویکرد انتقالی

- جان فیسک در کتاب درآمدی بر مطالعات ارتباطی رویکرد معناکاوانه در مطالعات ارتباطی را که برخاسته از مطالعات فرهنگی و مبتنی بر روش نشانه شناختی است، معرفی و تشریح می کند.
- او با این اندیشه ورزی، از پارادایم غالب در مطالعات ارتباطی که همانا رویکرد انتقالی و مبتنی بر مطالعات تجربی در جامعه شناسی و روان شناسی و نظریه کارکردگرایی است، فراتر می رود.
- وی برای اینکه فهم دقیقی از این دو رویکرد برای خوانندگان حاصل آید، به تشریح و مقایسه آنها می پردازد و با بهره گیری از سنت نظری و پژوهشی مطالعات فرهنگی و نشانه شناسی، رویکرد معناکاوانه را بر تارک مطالعات ارتباطی می نشاند.

رویکرد انتقالی

- فیسک در توضیح رویکرد انتقالی می‌نویسد: "رویکرد انتقالی، ارتباط را [فرایند] انتقال پیام می‌داند و به این مسئله می‌پردازد که چگونه فرستندگان و گیرندگان، رمزگذاری و رمزگشایی می‌کنند و چگونه انتقال دهندگان، کانال‌ها و رسانه ارتباطی را به کار می‌گیرند."
- دلمشغولی دیگر این رویکرد موضوعاتی همچون کارآیی است. رویکرد انتقالی، ارتباط را روندی می‌داند که شخص از راه آن بر رفتار یا ذهنیت دیگری اثر می‌گذارد.
- پیروان رویکرد انتقالی معتقدند که در تصمیم‌گیری اینکه پیام چه چیزی است، قصد و منظور عامل مهمی است. پیام چیزی است که فرستنده همه‌ی قصد و منظور خود را در آن قرار می‌دهد.
- این رویکرد، به تحقیق در زمینه‌ی اثرگذاری پیام، متقاعدسازی، تغییر نگرش و اصلاح رفتار علاقه خاصی دارد؛ بنابراین به علوم اجتماعی و به‌خصوص روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تکیه می‌کند.

رویکرد آیینی

- رویکرد آیینی، ارتباط را تولید و تبادل معنا می‌داند و دلبسته‌ی آن است که چگونه پیام‌ها یا متن‌ها در تعامل با مردم قرار می‌گیرد تا معنا تولید کند؛ یعنی به نقش متن‌ها در فرهنگ وابسته است.
- در این رویکرد آنچه اهمیت دارد، عمل دست به دست شدن اطلاعات نیست بلکه تجلی باورهای مشترک است.
- رویکرد آیینی اصطلاحاتی چون «دلالت» را به کار می‌برد و سوءتفاهمات را لزوماً از شواهد شکست ارتباط نمی‌داند. برای این رویکرد، بررسی رابطه‌ی مطالعه‌ی متن و فرهنگ و روش اصلی آن نشانه‌شناسی است.
- در این رویکرد، پیام ساختی از علائم است که از راه تعامل با دریافت‌کنندگان، تولید معنا می‌کند. فرستنده که انتقال‌دهنده پیام وصف می‌شود، از اهمیت می‌افتد و متن و چگونگی «قرائت» اهمیت می‌یابد.

دریافت

- رویکرد دریافت به نقش فوق‌العاده «خواننده» در فرآیند رمزگشایی متون رسانه‌ای تأکید می‌کند. این رویکرد پیوسته چهره‌ی انتقادی دارد و مدعی قدرت و توان مخاطبان برای مقاومت در برابر معانی مسلط یا سلطه‌جویانه رسانه‌های جمعی و سست کردن آنهاست.
- چندمعنایی، عامه‌پسندی، رمزگشایی تقابلی و مازاد نشانه‌شناختی از جمله مفاهیمی است که فیسک در تشریح نظریه‌ی «دریافت» و مطالعات فرهنگی به کار می‌گیرد.
- چندمعنایی اصطلاحی فنی است که نشان می‌دهد چگونه یک نشانه‌ی خاص، همیشه بیشتر از یک معنا دارد. زیرا «معنا» معلول تفاوت‌ها در درون نظام بزرگ‌تر است.
- فیسک معتقد است ماهیت چندمعنایی متون به مخاطبان امکان می‌دهد تا طیف وسیع و متنوعی از رمزگشایی‌ها را بسازند و از این رو مانع از آن می‌شود که رسانه‌ها بی‌چون و چرا به آنان مسلط شوند.

دیالکتیک مقاومت

- فیسک با تشریح پیچیدگی روابط بین متون، خوانندگان و فرهنگ؛ دیالکتیک مقاومت و سلطه و به عبارتی، دیالکتیک گشودگی متن و انسداد ایدئولوژیکی در تولید معنای متن را می پذیرد.
- از دیدگاه فیسک، مردم همواره با «فرهنگ یکپارچه‌ی» جهان‌بینی مسلط و دیگر نهادهای هژمونیک نمادین، سرکوبگر و آرام کننده که رویاروی آنهاست در ستیزند. زندگی روزمره‌ی مردم عادی، مجموعه‌ای از جابه‌جایی‌های هوشمندانه در برابر راهبردهای نیروهای بهره‌کش است.
- مصرف‌کنندگان رسانه‌ها مردمی هستند که با بلوک قدرت می‌ستیزند. برای فیسک درگیری بر سر «معنا»، درگیری بر سر قدرت اجتماعی است.
- از نظر فیسک، «مردم» هیچ خصیصه‌ی معرفّ ضروری جز توانایی سرکش خوانشِ گفت‌وگویی، تولید تفاسیر تازه و بازسازی مواد فرهنگی ندارند؛ بنابراین، در برابر نیروهای هژمونیک طبقات مسلط، خلاق‌ترین انرژی‌ها و کارکردهای خوانش نقادانه را باز می‌نمایند.